



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۲ ■ ۱۱ دی ۱۳۹۹



مریم امام



پژوهشگر
محمد طائب

در ستایش غیرت و انسان‌هایی که آن را تحفه‌ای به خدا دادند

پارسال همین حوالی بود که حاج قاسم‌مان را زدند...

آن موقع که مردم یک صدا #انتقام-سخت شده بودند و #ماهمه-حاج-قاسمید آمریکایی خیلی ترسیده بودند آن قدر که مثل بچه‌های ترسویی که وقتی اوضاع رفقای‌شان را جلو می‌اندازند و خودشان از معرکه فرار می‌کنند اعلام کرده بودند خیلی شما هم یکی را بزنید و تمام!

لابد بعدش هم انتظار داشتند صلوات بفرستیم و روی همدیگر را بیوسیم و برویم ولی چیزی که آمریکانمی دانست این بود که ما کسی را از دست دادیم که آنها فقط انیمیشن‌هایشان داشتند. ما نه یک فرد، نه یک مقام والا رتبه نظامی را از دست دادیم. قهرمانی که آنها خلا آن را با فیلم‌ها و انیمیشن‌های ابرقهرمانی در خود پرمی‌کردند، قهرمان ما فقط قهرمان ما نبود؛ آن قدر مرد بود که کیلومترها دورتر جانش را کف دستش بگیرد و بجنگد و ازمردمی دفاع کند که مظلومانه کشته می‌شدند به خاطر انسانیتش، به خاطر جوانمردی‌اش و به خاطر غیرتش؛ غیرتی که این روزها ک



«اکسیر قدرت جادویی!»

مفید و مختصرش را اگر بخواهید، غیرت یعنی آدم برای نگه داشتن تعلقاتش، یا شاید بهتر باشد بگوییم چیزهای خیلی خیلی مهمش تلاش کند. این طوری که نگاه بکنیم لااقل در وجود هر کسی یک جو غیرت پیدا می‌شود چون بالاخره باید یک چیزهای مهمی باشند که زندگی یک فرقی با بازی کامپیوتری پیدا کند. پس اگر همه یک تعلقاتی دارند که برایشان مهم است؛ به ناچار از همان اول به یک چیزی هم نیاز دارند که مواظب این مهماتشان باشد که آن می‌شود غیرت!

بنابراین همان قدری که داشتن خون توی بدن طبیعی و فطری است داشتن غیرت هم هست و همان طوری که گرسنه و تشنه شدن لازم است در مواقعی غیرتی شدن هم ضروری است!

اما این جناب غیرت اساسا موجود عجیبی است؛ یک چیزی

درمایه‌های اسفناج ملوان زبل که به آدم قدرت‌های

عجیب و غریبی می‌دهد و فرد کارهایی می‌کند که

کسی قبلا تصورش را هم نمی‌توانسته بکند. مثلا

همین جوان‌هایی که در زمان جنگ تفنگ به دست

می‌گرفتند و در جبهه‌ها کروکرو سرباز دشمن را

می‌کشتند تا دیروزش آدم‌های ساده‌ای بودند مثل

من و شما که شاید حتی با دیدن خون ته دل‌شان هم

ضعف می‌رفته؛ غیرت دقیقا مثل گلبول‌های سفید که

از سلامتی آدم دفاع می‌کند آفریده شده تا از ارزش‌ها،

عقاید، آبرو، عزت، سرزمین و عزیزان‌مان دفاع کند و

چنان شجاعتی به یک بچه ۱۳ ساله بدهد که خودش را زیر

تانک دشمن بیندازد. این است از عجایب غیرت!

«اندر حکایت مترسکان سر جالیز!»

مترسک سر جالیز را تصور کنید. مثلا قرار است شکل آدمیزاد باشد و کلاغ‌ها به هوای این که آدم است بترسند و جرأت نکنند بیایند محصولات را بخورند. اما این مترسک هم برای حفظ دسترنج کشاورز بینا دو سه روزی بیشتر کاربرد ندارد.

می‌پرسید چرا؟

چون کلاغ‌ها موجودات زنگی هستند، اولش

یواش یواش پایین می‌آیند و دور از مترسک

می‌نشینند که ببینند عکس‌العملی دارد،

اوضاع که امن و امان بود کم‌کم نزدیک‌تر

می‌شوند و خیلی محتاطانه جلو می‌آیند تا اگر

خبری شد سریع فرار کنند، وقتی دیدند هنوز مترسک حرکتی نمی‌کند

خیلی سوسکی یک نوکی به محصولات می‌زنند

ببینند بالاخره مترسک علائم حیاتی چیزی

نشان می‌دهد یا نه

وقتی دیدند که انگار نه انگار، از دفعه بعدی

دیگر نمی‌ترسند. با خیال راحت تشریف‌شان را می‌آورند

و حسابی دل‌شان را از عزا درمی‌آورند. نه این که بفهمند

مترسک آدم نیست‌ها نه! فقط می‌فهمند حتی اگر آدم

هم باشد بود و نبودش هیچ فرقی برای‌شان ندارد. اصلا از آدمی که جلوی

چشمش محصولش را بخورند و از دیوار صدا بلند شود و از این نشود دلیلی برای ترسیدن

وجود ندارد. خلاصه این‌ها را گفتیم که بگوییم آدم بی غیرت عین‌ه‌همان مترسک سر جالیز

است، بقیه‌اش را هم دیگر تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!



«قسم به غیرت؛ خدا...»

فکر می‌کنید با غیرت‌ترین موجود عالم کی باشد؟ خدا! می‌دانید چرا؟ چون خدا آنقدر روی خوبی‌ها غیرت داشته که بدی‌ها را حرام کرده تا انسان را از آنها دور نگه دارد. برای همین هم مسلمان ذاتا انسان با غیرتی است، یعنی درمراش نمی‌گنجد که بنشیند و کسی چهار ستون دینش را چه با سلاح سخت در جبهه و جنگ و چه با سلاح نرم رسانه و تبلیغ بلرزاند. اصلا دین آمده تا یادمان بدهد بی تفاوت نباشیم. قرآن هم در بعضی آیه‌ها مستقیما غیرت مسلمان‌ها را نشانه رفته تا بلکه بلند شوند و کاری بکنند مثلا در آیه‌ای می‌گوید: ««شما را چه شده که در راه خدا و مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟»

هر جای تاریخ را هم که نگاه بکنیم همیشه با غیرت‌ترین آدم‌ها دیندارترین‌شان هم هستند. اصلا پیامبر (ص) حرف آخر را همین اول زدند و فرمودند: «قطعا غیرت از ایمان است.» آخر هر طور هم که نگاه بکنیم در میان چیزهای مهمی که باید از‌شان دفاع کرد باز هم اعتقادات درست نه فقط این که مهم‌ترین هستند بلکه به قدری همه‌جانبه و کامل‌اند که به غیرت‌های دیگر هم معنی می‌دهند. مثلا وقتی اعتقاد و اصل دین کسی ایستادن در برابر ظلم باشد آن وقت اگر بنشیند و برو بر نگاه کند تا یک آدم خدانشناسی خلخال از پای زن یهودی دریاورد به قول مولایمان: «در این حالت اگر یک مرد مسلمان از تأسف بمیرد، حق دارد.»



هر چیزی که به خودش مربوط شود، حساس است. این افراد خود و البته در مواقعی هفت نسل قبل و بعد را هم عاری از هرگونه خطا، اشتباه یا خدایی نکرده مستحق شنیدن کوچک‌ترین انتقادی می‌دانند و ذاتا گویا خدا تافته این جماعت را جدا بافته! اما غیرت حواش به حق و انصاف و عدالت هم هست و غیرمنطقی رگ‌گردنش باد نمی‌کند. اصلا غیرت فقط کاری را به خاطر منافع شخصی نمی‌کند بلکه دنبال این می‌گردد که ببیند حق با کدام طرف دعواست. آدم غیور حتی اگر ببیند قوم و قبیله خودش هم دارند اشتباه می‌کنند جلوی‌شان می‌ایستد. خلاصه که غیرت برعکس تعصب کور خیلی مرد است، خیلی!

«تفاوت از زمین تا آسمان است!»

یک نکته مهم در مورد غیرت این است که این بزرگوار یک برادر ناتنی ناخلف دارد به نام تعصب کور که از قضا مثل مادر بزرگ‌ها که اسم نوه‌ها را جابه‌جا می‌گویند اینها هم در ذهن بعضی‌ها چپکی جا افتاده‌اند! اما کمی که دقیق‌تر نگاه کنیم تفاوت این دو تا حتی از خورش کرفس و قورمه‌سبزی هم بیشتر است. هر قدر غیرت به درد بخور و خوشگل و باحال است تعصب کور، دردسرساز و بی‌ریخت و اعصاب‌خردکن می‌شود. آدم با غیرت از چیزهای واقعا مهم چه از لحاظ شرع و چه از لحاظ عرف دفاع می‌کند مثل دین، ناموس، وطن ولی به آدم متعصب اصلا نمی‌شود گفت بالای چشم‌ت ابروست چون کلا روی